

## بنام ایران ۱۷ دی - روز آزادی زنان ایران نوشته - شهرام جاویدپور

ساعت ۳ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ خورشیدی، رضا شاه بزرگ در آئین ویژه ای که در دانشسرای مقدماتی تهران برگزار گردید، برداشتن چادر، آزادی زنان و ورود بانوان ایرانی را به جامعه ایران اعلام کرد و بخش جدیدی در تاریخ زندگی زن ایرانی گشود. در این گردهمایی باشکوه، همسر و دختران پادشاه، برای نخستین بار، بدون چادر، او را همراهی میکردند. شاه و همراهان از میان دختران پیش آهنگی که به پیشواز آنان آمده بودند، عبور نمودند و پس از بازدید از بخشهای گوناگون دانشسرا، دخترانی که در رشته های پزشکی و قابلیت تحصیلات خود را به پایان رسانده بودند، دانشنامه های خویش را از دست پادشاه ایران دریافت کردند. در این مراسم خانم هاجر تربیت به نمایندگی از سوی زنان ایرانی سخنانی ایراد کرد و پس از آن، رضاشاه پهلوی در بیاناتی خطاب به زنان ایرانی گفت:

”... نباید از نظر دور بداریم که نصف جمعیت کشور ما بحساب نمی آمد یعنی نصف قوای عامله مملکت بیکار بود. هیچوقت احصائیه از زنها برداشته نمیشد، مثل اینکه زنها یک افراد دیگری بودند و جزو جمعیت ایران بشمار نمی آمدند... من میل به تظاهر ندارم... و نمیخواهم فرقی بین امروز و روزهای دیگر بگذارم ولی شما خانمها باید این روز را یک روز بزرگ بدانید و از فرصتهایی که دارید برای ترقی کشور استفاده نمائید... شما خواهران و دختران من حالا که وارد اجتماع شده اید و قدم برای سعادت خود و وطن بیرون گذارده اید، بدانید وظیفه شما است که باید در راه وطن خود کار کنید. سعادت آتیه در دست شما است. شما تربیت کننده نسل آتیه خواهید بود و شما هستید که میتوانید آموزگاران خوبی باشید و افراد خوبی از زیر دست شما بیرون بیایند.”

همانگونه که از سخنان رضاشاه بزرگ بر میآید، انگیزه اصلی از برداشتن چادر و آفرینش روز خجسته ۱۷ دی، تنها دگرگونی در پوشش زنان و شکل ظاهری آنان نبود بلکه آرمان نهائی این اقدام تاریخی، هموار کردن راه ورود زنان ایرانی به جامعه و برداشتن سدهای نیرومندی بود که تاروپود آنها با باورهای دینی و مذهبی ساخته و پرداخته گردیده بود و راه زنان را برای ورود به اجتماع مسدود میکرد.

طرح آزادی زنان که با برداشتن چادر و یا کشف حجاب آغاز گردید، ابتدا در ترکیه و سپس در افغانستان و پس از آن در ایران انجام شد. این برنامه در ترکیه با اقدامات خشن و سخت آتاتورک به پیروزی رسید ولی در افغانستان با شورش بچه سقا (حبیب اله سقا) روبرو شد و با سرنگونی پادشاهی امان اله خان پادشاه افغانستان با شکست کامل به پایان رسید. طرح آزادی زنان در ترکیه و افغانستان و نتایجی که در این دو کشور همسایه ایران ببار آورد، بی گمان چیزی نبود که از دید تیز بین پادشاه ایران دور بماند و از تجربیات به دست آمده برای پیاده کردن این طرح در کشورش بهره نگیرد.

ارزش خدمات رضاشاه بزرگ و موقع شناسی او در انجام طرح آزادی زنان، هنگامی بیشتر جلوه گر

میگردد که بدانیم آن پادشاه در حالیکه قدرت مذهب در ایران آنروز بسیار بیش از افغانستان و ترکیه بود، سالها با آماده ساختن افکار عمومی و ایجاد گرایش آزادیخواهانه در بانوان، جنبش رهایی زنان ایرانی را بدون آنکه با مقاومت چشمگیری روبرو گردد، به انجام رساند و زیر بنای بزرگترین تحول اجتماعی ایران را پی ریزی کرد.

اسناد تاریخی نشان میدهند که به موازات کودتای ۱۲۹۹ و انتقال قدرت به سردار سپه، خواست آزادی در میان بانوان ایرانی رواج یافت و از ابتدای پادشاهی رضاشاه، طرح و تهیه مقدمات و ایجاد زمینه های فکری مناسب در جامعه آغاز گردید و پس از بیش از ۱۰ سال کوشش و تلاش پیگیر سرانجام این کار بزرگ در دی ماه سال ۱۳۱۴ به انجام رسید.

انجمن بیداری نسوان، انجمن ترقی نسوان، انجمن نسوان وطن خواه، کانون بانوان... و همچنین روزنامه های شکوفه در تهران، زبان زنان در اصفهان، پیک سعادت در رشت، دختران ایران در شیراز و... که به مدیریت زنان ایرانی چاپ و منتشر میگردید، از جمله تلاشهایی است که سالها پیش از کشف حجاب برای روشن کردن افکار جامعه (به ویژه خود زنان) و درک و پذیرش چنین تحولی، صورت گرفت. ایجاد مدارس مختلط تا سال چهارم ابتدائی، خواندن سرودهای ملی و میهنی توسط دختران جوان در مجالس سخنرانی، شرکت روسای ادارات و نظامیان با بانوان خویش در میهمانیها و تصویب قانون ازدواج و تاسیس دفاتر رسمی ازدواج و طلاق در ایران، تاسیس دانشسراهای دخترانه، ایجاد مدرسه قابلگی، برپائی هنرستان زنان، گسیل اولین گروه دختران دانشجو به اروپا و دهها اقدام مشابه، از دیگر تلاشهای کارسازی است که در این دوران ۱۰ ساله انجام پذیرفت.

این تلاشهای چشمگیر و تحولاتی که در پی آن در جامعه ایرانی ظاهر گردید، از دید بیگانگان نیز پوشیده نبود و گزارشی که کاردار سفارت انگلستان (۷ سال پیش از ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴) در این باره به دولت خویش داده است، نمونه ای از آن بشمار میرود. در آرشیو نامه های منتشره وزارت خارجه انگلستان نامه ای به شماره ۴۰۱ وجود دارد که کاردار سفارت این کشور در تهران در تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۲۸ (۱۳۰۷) برای دبیر کل وزارت امور خارجه کشورش فرستاده و در آن نوشته است:

“... تا چندی پیش در خیابانهای تهران، زنان از یک طرف و مردان از سوی دیگر خیابان راه میرفتند ولی اکنون زنان با مردان به رستوران میروند، دور یک میز می نشینند، با هم به سینما میروند و با یکدیگر در درشکه و ماشین حرکت میکنند، البته با چادر، ولی در پوشاندن صورت خود اصرار سابق را ندارند.”

این سند نشان میدهد که حداقل ۷ سال پیش از سال ۱۳۱۴ اقدامات و کوششهای وسیعی در ایران انجام یافته، تا یک محدودیت اجتماعی را که قرنها در ایران برقرار بوده است، از میان بردارد و امکان حضور مردان و زنان ایرانی را با یکدیگر در مجامع عمومی کشور فراهم نماید. تحولات آنروز ایران، البته به دور از توطئه بیگانگان و کارگزاران آنان نبود. در تیرماه ۱۳۱۴ شخصی بنام بهلول (محمد تقی نیشابوری) در مسجد گوهر شاد (مشهد) به منبر رفت و به بهانه دخالت دولت در امور روحانیت و به یاری هزاران نفر از روستائینی که از اطراف مشهد با بیل و تبر و داس

به این شهر ریخته بودند ، بلوای بزرگی برپا نمود. بهلول که درست همان شب رویداد مسجد گوهرشاد وارد مشهد شده بود ، میخواست به یاری بیگانه همان نقشی را که جیب اله سقا در افغانستان بازی کرده بود ، در ایران به عهده بگیرد . ولی هوشیاری و قاطعیت دولت ، نقشه او را بر باد داد و با سرکوب شورش مسجد گوهرشاد که میتوانست در سراسر کشور گسترش یابد ، این توطئه شوم در نطفه خفه شد. بهلول به افغانستان گریخت و ۴۳ سال تحت حمایت انگلستان در خارج زیست و پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی به ایران بازگشت و برقراری حکومتی را که ۴۳ سال پیش خود در پی برپائی آن بود ، به همتای خویش روح اله خمینی شادباش گفت. رضاشاه بزرگ نزدیک به شش ماه پس از سرکوب شورش مشهد با موقع شناسی بسیار هوشمندانه ، پس از حداقل ۱۰ سال تلاش و زمینه سازی ، طرح کشف حجاب در ایران را به اجرا گذاشت و زیر بنای این تحول بزرگ اجتماعی ایران را پی ریزی کرد و راه زنان ایرانی را برای رسیدن به جایگاه والائی که در دوران پهلوی دوم به آن دست یافتند ، هموار نمود.

سالروز ۱۷ دی روز آزادی زنان ایرانی گرامی باد.

منابع :

سنگر شماره ۲۳۳ - دکتر عبدالرحمن

تاریخ مفصل ایران - دکتر عبدالله رازی

شگفتی های زندگی رضاشاه - دکتر مصطفی الموتی

ناگفته ها از زندگی و روزگار پهلوی ها - محمود طلوعی